

تحلیل گفتمان تفاوت‌های جنسیتی در تفاسیر آیه ۳۴ سوره نساء

فاطمه توفیقی*

ساجده یوسفی**

چکیده

یکی از آیات بحث‌برانگیز در میان مسلمانان معاصر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء بوده است. در این آیه قوامیت مردان بر زنان، نظام نفقه و تمکین و مراحل اصلاحی در صورت نشوز زن تثبیت شده است. در این مقاله با سیری در تاریخ تفسیر آیه خواهیم دید که تفسیر آن در دوران مدرن تحول یافته است. با تحلیل گفتمان تفاسیر به این نتیجه می‌رسیم که در تفاسیر پیشامدرن نظام رتبه‌بندی تکوینی بین مرد و زن حاکم بود، در حالی که در نگاه مدرن بیشتر بر تفاوت‌ها تأکید می‌شود به نحوی که مفهوم «تساوی بدون تشابه» بر مبنای مفروضات علم تجربی استوار می‌شود. این نظام بر یک نگاه سیاسی - اجتماعی مبتنی است که سروری هیچ انسانی بر دیگری را نمی‌پذیرد، اما کسب برخی از جایگاه‌ها را حاصل نظام طبیعی به ویژه تفاوت جنسیتی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ تفسیر، تحلیل گفتمان، نساء ۳۴، قوامیت، تفاوت جنسیتی.

۱. مقدمه

بسیاری از تصورات ما درباره تفاوت‌های جنسیتی گرچه صرفاً مبتنی بر قرآن نیست، با تفسیر آیات قرآنی استحکام می‌یابد. اما باید به یاد داشته باشیم که تفاوت‌های جنسیتی هم برساخته گفتمان‌های طبی و فرهنگی و دینی هستند. تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در تفسیر را می‌توان در سیر تطور تفسیر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء (مشهور به آیه قوامیت) مشاهده کرد. این آیه به دلایل گوناگون به ویژه در دوران اخیر توجه مفسران و تحلیل‌گران را جلب کرده

* استادیار دین‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)، fatimat@gmail.com

** کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، sajede.usofi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

است. نخست، فرمان به «ضرب» به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با نشوز مشکلاتی را برای مفسران ایجاد کرده است. همچنین، این آیه قوامیت مرد بر زن و نظام نفقه و تمکین را تثبیت و حمایت می‌کند. توجه مطالبی که در آیه درباره قوامیت، نفقه و تمکین و احکام مربوط به نشوز زن به ویژه ضرب گفته شده، همواره با تکیه بر تفاوت‌های جنسیتی صورت گرفته است. نویسندگان معاصر (در قرن بیستم میلادی/قرن چهاردهم هجری)، برخلاف پیشینیان خود، با پرسش‌هایی جدی درباره روابط زناشویی و نقش زن و مرد در خانواده و جامعه مواجه بوده‌اند که شاید در گذشته تا این حد پرسیده نمی‌شد. از این رو، آنان می‌کوشیدند با مراجعه به دانسته‌های خود درباره علم و بدن و جامعه حکمت فرمان الاهی را دریابند. آنان برای توجیه این تفاوتها به نظام تکوینی اشاره میکردند که باعث میشد به طور طبیعی نقشهایی متفاوت به زن و مرد واگذار شود. از این منظر سرپرستی اقتصادی زن همانقدر «غیر طبیعی» است که مردی بخواهد به فرزندش شیر بدهد. عدالت جنسیتی مبتنی بر نظامی است که اقتضاد میکند هرکسی در جای «طبیعی» خودش قرار گیرد. در این مقاله میکوشیم با بررسی تاریخی ظهور این تصور در گفتمان فرهنگی بدن به بازاندیشی دیدگاه مصلحان مسلمان کمک کنیم. برای این کار نخست مروری از تفاسیر آیه از دوران پیشامدرن تاکنون ارائه خواهیم داد. به ویژه در تفاسیر دوران مدرن میبینیم که توجهات جسمی، روانی، فکری، اقتصادی و مدیریتی برای تبیین تفاوت نقشهای خانوادگی به کار میرود. مقاله را با ارزیابی علت این تحول در گفتمان فرهنگی بدن در آثار تفسیری پایان خواهیم داد. همانطور که در این مقاله نشان خواهیم داد، مصلحان مسلمان که در پی توجیه عقلانی نقشهای متفاوت بودند، گفتمان «عدم تشابه و تساوی» را جانشین «تشابه و عدم تساوی» کردند.

۲. توضیح آیه

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (مردان سرپرست زنان هستند به سبب آنچه خدا به برخی از آنان بر دیگران داده است و به سبب آن چه از اموالشان نفقه میدهند. پس زنان صالح، مطیع و رازدار بر آنچه خدا محفوظ داشته، هستند. و

آنان که بر نافرمانیشان می‌ترسید، اندرزشان دهید و بسترشان را ترک کنید و آنان را بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند، بر آنان تعدی نکنید. خدا بلند مرتبه و بزرگ است.)

در این آیه اولاً سرپرستی مردان بر زنان تأیید می‌شود. دلیل این قوامیت هم در آیه تصریح شده است: یکی برتری بعضی (یعنی مردان) بر بعضی دیگر (زنان) و دیگری نفقه دادن مردان به زنان. هم سیاق خود آیه و هم آیات پیشین (نساء ۳۲: *ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسوا وللنساء نصیب مما اکتسبن واصلوا الله من فضله إن الله بکل شیء علیما*)؛ (آنچه خدا با آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتر ساخته، نخواهید. مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای دارند و زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای دارند. از خدا فضل او را بخواهید. خدا از هر چیزی آگاه است) روشن می‌کند که برتری بعضی بر دیگری به معنای برتری مردان بر زنان است. ثانیاً این آیه پس از توضیح ویژگی‌های زنان صالح در زندگی خانوادگی، به نشوز و راه‌های غلبه بر آن اشاره می‌کند: موعظه، ترک در بستر و نهایتاً ضرب. در نتیجه تنها راه گریز از «ضرب»، اطاعت از مردان است.

آیه فوق به تفصیل به معنای نشوز و اطاعت و قوامیت پرداخته است، اما یکی از مستندات مفسران و فقها برای تثبیت قوانین مربوط به نفقه و تمکین (و نشوز جنسی) و حق زن بر بدن خود بوده است. به عبارت دیگر، علمای مسلمان هیچ گاه در دلالت این آیه بر کنترل مرد بر بدن زن تردید نکرده‌اند. اما مفسران به ویژه در دوران مدرن ناگزیر بوده‌اند که نظام نفقه در برابر تمکین جنسی را که از این آیه استخراج می‌کردند، به وسیله باورهای قالبی درباره طبیعت زن و مرد از نظر زیستی، روانی و اجتماعی تبیین کنند.

برخی از محققان دیگر به سیر تطور تفسیر این آیه پرداخته‌اند. مهدی مهریزی در بررسی تفاسیر آیه، به دسته‌بندی و ارزیابی نگاه‌های گوناگون به معنای «ضرب» و همیشگی بودن حکم آن پرداخته است. او در ارزیابی تاریخی خود به این نتیجه می‌رسد که مقصود آیه روایی «تنبیه بدنی» نیست (مهریزی، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۲۸۶). همچنین فروغ پارسا در بررسی تحول تفاسیر آیات مربوط به زنان در دوران مدرن نشان می‌دهد که چگونه توجیهاتی که با آیه نساء ۳۴ همراه می‌شده علیرغم فاصله نگرفتن از احکام پیشین، در دوران مدرن تبیین‌هایی متفاوت پیدا کرده است (پارسا، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۱). در این نوشتار از دو مقاله مذکور پیشتر می‌رویم تا گفتمان تفاوت جنسیتی را که مبنای توجیهات فوق بوده است، ارزیابی کنیم. به عبارت دیگر، سوال اصلی ما این است که مفهوم تفاوت‌های جنسیتی که

پایه بسیاری از دیدگاه‌ها درباره برتری مردان بر زنان و نظام نفقه و تمکین بوده است، چگونه در نگاه مفسران تحول یافته است. چنان که نشان خواهیم داد، در دوران مدرن (یعنی پس از ظهور جنبش اصلاح یا احیای دینی) مفسران مسلمان بیشتر سعی کردند با توجیحات «علمی» نشان دهند که زنان و مردان باید نقشهایی متفاوت در جامعه بپذیرند و این تفاوت نقشها بیش از آنکه تشریحی باشد، «تکوینی» و «طبیعی» است.

۳. تاریخ تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء

در بررسی تاریخ تفسیر این آیه، می‌توان تفاسیر را به دو دسته پیشامدرن (تا پیش از قرن بیستم/چهاردهم) و مدرن (آغاز قرن بیستم/چهاردهم تا کنون) تقسیم‌بندی کرد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رخدادهای گوناگون مانند جنبش مشروطه در ایران، سقوط امپراتوری عثمانی، ظهور دولت-کشورهای مدرن، سلطه استعمار و تماس بیشتر میان ساکنان دولت‌های اسلامی و غربیان باعث شد نگاهی نوین به رابطه دین و اجتماع صورت بگیرد. از سوی دیگر نهضت اصلاح دینی در شبه قاره هند، آسیای صغیر و خاور میانه و شمال آفریقا تلقی تازه‌ای از دین را در اختیار مومنان قرار داد که آشتی دینداری و تجدد را آسان می‌ساخت. این نگرش نو به ارزش‌های دینی و مدرن در تفاسیر هم تأثیر شگرفی داشت. در این سیر تاریخی خواهیم دید که تفاسیر همگام با برساخت‌های جدید جنسیتی و تصورات تازه از توانایی‌های جنس مرد و زن بودند که شاید در تفاسیر پیشین دیده نمی‌شود. ذکر نمونه‌هایی از تفاسیر پیشامدرن صرفاً برای مقایسه است.

۱.۳ تفاسیر پیشامدرن

مفسران پیشامدرن درباره معنای نشوز و کیفیت انجام سه مرحله اصلاحی («ففظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن») سخن گفته‌اند. جالب است که گرچه معمولاً «نشوز» به معنای امتناع زنان از تمکین جنسی دانسته می‌شود، بسیاری از مفسران در مورد معنای نشوز به طور عام‌تر سخن گفته‌اند. برای نمونه طبری آن را به معنای بغض و معصیت دانسته و سوراآبادی آن را به «بدخویی و بدسازی» تفسیر کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰/۵؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰: ۴۱۲/۱).

اما با توجه به این که خود آیه دلیل قوامیت و برتری مردان بر زنان را ذکر کرده است، عموم مفسران نیز به تبیین تفاوت‌های مرد و زن پرداخته‌اند. برای نمونه، طبری برتری مرد بر زن را اینگونه تفسیر می‌کند: «بما فضل الله به الرجال علی أزواجهم من سؤقهم إلیهن مهورهن، وإنفاقهم علیهن أموالهم، وكفایتهم إیاهن مؤتتهن» (به خاطر آنکه خدا مردان را بر همسرانشان برتری داده است، به جهت آنکه پرداخت مهریه ایشان و خرج کردن برایشان و تأمین نیازهایشان) (طبری، ۱۴۱۲: ۳۷/۵) شیخ طوسی ادعا می‌کند برتری مردان بر زنان ناشی از عقل و رأی برتر مردان است (طوسی، بی‌تا: ۳/ ۱۸۹). سوراآبادی می‌گوید: «خدا برخی را از ایشان بر برخی یعنی مردان را بر زنان به فضل عقل و فضل قوت و ضمان مهر» برتری داد (سوراآبادی، ۱۳۸۰: ۴۱۲/۱). قرطبی برتری مردان بر زنان را اینگونه تبیین می‌کند: «تفضیلهم علیهن فی الإرث لما علی الرجال من المهر والإنفاق، ثم فائدة تفضیلهم عائدة إلیهن. ويقال: إن الرجال لهم فضیلة فی زیادة العقل والتدبیر، فجعل لهم حق القیام علیهن لذلك. وقیل: للرجال زیادة قوة فی النفس والطبع ما لیس للنساء، لان طبع الرجال غلب علیه الحرارة والیوسة، فیکون فیة قوة وشدة، وطبع النساء غلب علیه الرطوبة والبرودة، فیکون فیة معنى اللین والضعف، فجعل لهم حق القیام علیهن بذلك» (برتری مردان بر زنان در ارث به خاطر وجوب مهریه و نفقه بر مردان و فایده برتری مردان به زنان برمیگردد. و گفته میشود مردان در زیادتی عقل و تدبیر برتری دارند، پس حق سرپرستی بر زنان، به مردان داده شد. گفته شده که مردان بیش از زنان قوت روحی و قوت طبع دارند. زیرا در طبق مردان حرارت و خشکی غلبه دارد و از این رو نیرو و صلابت بیشتری دارند، اما در طبع زنان رطوبت و سردی غلبه دارد و از این رو نرمی و ضعف در آنان بیشتر است. از این رو خدا حق سرپرستی بر زنان را به مردان داده است.) (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶۹/۵ نیز بنگرید: سمرقندی، بی‌تا: ۳۰۰/۱). فخر رازی نیز در تبیین تفاوت‌های جنسیتی چنین می‌گوید:

فضل الرجال علی النساء حاصل من وجوه كثيرة، بعضها صفات حقیقیة، وبعضها أحكام شرعیة، أما الصفات الحقیقیة فاعلم أن الفضائل الحقیقیة یرجع حاصلها إلی أمرین: إلی العلم، وإلی القدرة، ولا شک أن عقول الرجال و علومهم أكثر، ولا شک أن قدرتهم علی الأعمال الشاقة أكمل، فلهذین السببین حصلت الفضیلة للرجال علی النساء فی العقل والحزم والقوة، والكتابة فی الغالب والفروسية والرمی، و ان منهم الأنبیاء والعلماء، وفیهم الامامة الكبرى والصغرى والجهاد والأذان والخطبة والاعتکاف والشهادة فی الحدود والقصاص بالإنفاق، وفی الأنکحة عند الشافعی رضی الله عنه، وزیادة النصیب فی المیراث والتعصیب فی المیراث، وفی تحمل الدیة فی القتل والخطأ، وفی القسامة والولاية فی النکاح والطلاق

والرجعة وعدد الأزواج، وإليه الانتساب، فكل ذلك يدل على فضل الرجال على النساء. والسبب الثاني: لحصول هذه الفضيلة: قوله تعالى: *وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ* يعني الرجل أفضل من المرأة لأنه يعطيها المهر وينفق عليها (برتری مردان بر زنان از چند امر ناشی میشود که برخی از آنها صفات حقیقی و برخی احکامی شرعی هستند. اما درباره صفات حقیقی، بدان که فضیلت‌های حقیقی از دو عامل نشأت می‌گیرد: علم و قدرت. تردیدی نیست که عقل مردان و علومشان بیشتر است و تردیدی نیست که قدرت آنان بر کارهای سخت بیشتر است. پس به این دو سبب مردان در عقل و اراده و قدرت و در اغلب موارد نویسندگی و نیز سوارکاری و تیراندازی برتری دارند. به همین جهت است که انبیا و دانشمندان مرد هستند و فرمانروایی کلان و خرد و جهاد و اذان و سخنوری و اعتکاف و شهادت در حدود و قصاص که مورد اجماع است و شهادت در نکاح بنا به نظر شافعی و زیادتی بهره در ارث و تعییب در ارث]: بنابر فقه اهل سنت، سهم الارثی که زاید آید، به اقوام پدری باز میگردد] و عاقله در دیه قتل و خطا و در قاسمه]: اقامه کردن پنجاه شاهد، برای دفع اتهام قتل از جماعتی که علی رغم کمبود شواهد، مورد مظان هستند] و ولایت در نکاح و طلاق و رجوع پس از طلاق و تعدد همسران و نسب به مردان تعلق دارد. پس همه اینها بر برتری مردان بر زنان دلالت میکنند. سبب دوم این برتری آن است که خدای متعال فرموده: «مردان از اموالشان نفقه میدهند» یعنی مردان برتر از زنان اند زیرا به او مهریه و نفقه میدهند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۷).

ثعلبی نیز این تصور را تأیید می‌کند و این برتری را ناشی از عواملی می‌داند: «قیل: بزيادة العقل، و قیل: بزيادة الدین والیقین، و قیل: بقوة العبادة، و قیل: بالشهادة، قال الله: فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ، قال القرطبي: بالتصرف والتجارات، و قیل: بالجهاد، قال الله: أَنْفَرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا، وقال للنساء: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ، الربيع: الجمعة والجماعات، قال الحسن: بالإففاق عليهن، قال الله تعالى: *وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ*. و قال بعضهم: يمكن للرجل أن ينكح أربع نسوة، ولا يحل للمرأة غير زوج واحد، و قیل: هو أن الطلاق إلى الرجال وليس إلیهن منه شيء، و قیل: بالدية، و قیل: بالنبوة، و قیل: الخلافة والإمارة» (گفته شده سبب، فزونی عقل مردان است. گفته شده زیادتی دین و یقین است. گفته شده حال عبادت و گفته شده به سبب شهادت، چون خدا [در قرآن] گفته است «اگر دو مرد نبود، پس یک مرد و دو زن». قرطبی، سبب را توان تدبیر و تجارت و بازرگانی میدانند. گفته شده که سبب، جهاد است، چون خداوند فرموده: «سبکبار یا سنگین بار کوچ کنید» و به زنان فرموده: «در خانه‌هایتان بمانید». ربیع اقامه زناز جمع و جماعت را سبب میدانند. حسن بر آن است که سبب، پرداخت نفقه به ایشان است،

که خدا فرموده: «به این دلیل که از اموالشان نفقه می‌دهند». و برخی هم گفته‌اند چون مرد میتواند با چهار زن ازدواج کند ولی زن فقط میتواند با یک مرد ازدواج کند. گفته شده چون طلاق به دست مرد است و زنان در آن اختیاری ندارند. دیه، نبوت و خلافت و امارت نیز گفته شده است) (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۳). ابوحنیفه اندلسی نیز فهرستی مشابه از برتری‌های مردان بر زنان ذکر می‌کند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۲۳/۳). شیخ هاشم بحرانی در تفسیر البرهان، برتری را با ذکر روایتی نبوی شرح می‌دهد:

جاء نفر من اليهود إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسأله أعلمهم عن مسائل، فكان فيما سأله. قال له: ما فضل الرجال على النساء؟ فقال النبي (صلى الله عليه وآله): كفضل السماء على الأرض، وكفضل الماء على الأرض، فالماء يحيى الأرض [وبالرجال يحيى النساء] ولولا الرجال ما خلق الله النساء، يقول الله عز وجل: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ. قال اليهودي: لأى شيء كان هكذا؟ فقال النبي (صلى الله عليه وآله): خلق الله عز وجل آدم من طين، ومن فضله وبقية خلقت حواء، وأول من أطاع النساء آدم، فأنزله الله عز وجل من الجنة، وقد بين فضل الرجال على النساء فى الدنيا، ألا ترى إلى النساء كيف يحضن ولا يمكنهن العباداة من القذارة، والرجال لا يصيبهم شيء من الطمث؟! قال اليهودي: صدقت، يا محمد (گروهی از یهودیان نزد رسول خدا آمدند. پس داناترین آنان از او مسایلی را پرسید، از جمله آنکه: برتری مردان بر زنان در چیست؟ پیامبر گفت: مانند برتری آسمان بر زمین و برتری آب بر زمین. آب، زمین را زنده میکند [و زنان با مردان حیات می‌یابند] و اگر مردان نبودند، خدا زنان را نمی‌آفرید. خدای بلند مرتبه می‌گوید: «مردان سرپرست زنان هستند به خاطر اینکه برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده و به خاطر آنچه از اموالشان نفقه می‌دهند». آن یهودی پرسید: چرا چنین است؟ پیامبر گفت: خدای بلند مرتبه آدم را از گل آفرید و از زادتی و بقیه آن حواء را آفرید. و نخستین کسی که از زنان پیروی کرد، آدم بود پس خدا وی را از فردوس اخراج کرد و برتری مردان را بر زنان در دنیا روشن ساخت. آیا نمی‌بینی که زنان چگونه حیض میشوند و به سبب آلودگی‌شان نمیتوانند عبادت کنند، اما مردان دچار آلودگی نمیشوند. آن یهودی گفت: ای محمد، درست می‌گویی) (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۴/۲؛ نک. شبر، ۱۴۰۷: ۴۲/۲؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۶: ۴۲۰/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۹۷/۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۷؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۲/۲۸۶).

در این تبیین‌ها از تفاوت‌های جنسیتی باید به چند نکته توجه داشت. نخست آنکه این تبیین‌ها گرچه بر مبنای تکوین زن و مرد است، از ذکر «برتری‌های» تکوینی و تشریحی مردان بر زنان ابایی ندارد. دوم این سلسله مراتب منحصر به زن و مرد نیست، بلکه همانطور که در حدیث فوق دیده می‌شود، برتری مرد بر زن در راستای همه رتبه بندیها در گیتی است.

۲.۳ تفاسیر مدرن

در تفاسیر مدرن چند جریان را می‌توان مشاهده کرد. از یک سو آنچه در تفاسیر پیشامدرن درباره تفاوت‌های جنسیتی بر مبنای طب قدیم گفته شده بود، ادامه می‌یابد. از سوی دیگر به دلیل حضور اجتماعی زنان و نیز پیشرفت‌های علمی تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، آنچه در گذشته به ساحت فردی و خانوادگی محدود می‌شد، در تفاسیر پس از اصلاح دینی به ساحت اجتماعی تسری می‌یابد و به «علم تجربی» مستند می‌شود. برای نمونه، در دوران مدرن این سوال پرسیده شد که آیا قوامیت فقط به امور خانوادگی منحصر است یا دایره‌ای وسیع‌تر دارد؟ برخی همچون محمدجواد مغنیه آن را صرفاً در خانواده روا می‌دانست، در حالی که برخی دیگر مانند علامه طباطبائی مردان را قوام بر زنان در کل امور می‌دانست (مغنیه، بی‌تا: ۱۰۶/۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۴۳/۴). بسیاری از مفسران تفاوت زن و مرد در نظام نفقه و تمکین را ناشی از تفاوت جسمی آنها می‌دانند. همچنین بسیاری از مفسران ضمن ایجاد تمایز میان ویژگی‌های جسمی و روحی، رابطه‌ای ناگزیر و طبیعی میان این دو دسته از ویژگی‌ها قایلند. در ادامه تبیین‌های گوناگون از تفاوت‌های جنسیت را در تفاسیر مدرن ذکر خواهیم کرد.

۱.۲.۳ تأثیر تفاوت‌های جسمی بر روان زن و مرد

پیشتر از باب نمونه، سخن قرطبی در مورد طبایع زنان ذکر شد که در آنها می‌گفتند بر مبنای طب سنتی، طبایع و مزاجهای انسان هم در ویژگیهای جسمی و هم در ویژگیهای روانی او بروز می‌یابد. از این منظر، سردی و رطوبت غالب زنان و گرمی و خشکی غالب مردان در وضع جسمی و امیال و تواناییهایشان بازتاب می‌یابد. این تبیین در دوران مدرن نه تنها محو نمی‌شود، بلکه به شدت توسعه می‌یابد و برای توجیه تفاوت در نقشها مورد تأکید قرار می‌گیرد. برای نمونه محمد صادقی تهرانی می‌گوید: «فالائتی مهیأة لمیلاد الرجال بکل تکوینها وکیانها

العضوی والنفسی، ولإعداد الرجال للجهاد وكل متطلبات الحياة البطولية، فهي والدة ومربية أنفع منها مجاهدة مقاتلة، على ضعفها وعدم تحملها المعارك الدموية» (زن با كل تكوين و چارچوب بدنی و روانی‌ش آمده زاییدن مردان است و میتواند مردان را برای جهاد و بایسته‌های زندگی قهرمانانه آماده کند. او در مادری و تربیت فرزند کارآمدتر است تا در جنگاوری و رزمندگی؛ زیرا ضعیف است و نمیتواند جنگهای خونین را تحمل کند) (صادقی، ۱۳۶۵: ۴۲/۷). علامه طباطبایی نیز این تفاوت را چنین توجیه میکند: «حياة النساء حياة إحصائية عاطفية مبنية على الرقة واللطافة» (زندگی زنان زندگی احساسی و عاطفی و مبتنی بر رقت و لطافت است) (طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴/۳۴۴). محمدجواد مغنیه تفاوت را اینگونه توصیف میکند: «فوق هذا شاهدنا المرأة تهتم قبل كل شيء بالتفصيلات والأزياء التي تجسم أنوثتها، وتبرزها عريانة، و تلونها بكل ما يجذب الرجل، ويلهب شعوره نحو الجنس اللطيف... ومن هنا كانت بيوت الأزياء ومبتكرات التفصيل للنساء، دون الرجال، ولا تفسير لاهتمام المرأة بانوثتها، وانصراف الرجل الى جليل الأعمال في ميادين الحياة الا التباين في الغرائز والتكوين النفسى بين الاثنين» (افزون بر این میبینیم که اهتمام زن پیش از هر چیز به تجملات است و مد، که زنانگی‌اش را بروز میدهد و او را برهنه جلوه میدهد و او را با هر آنچه مرد را جذب میکند و احساسش را به سوی زنان شعله‌ور میسازد، می‌آراید... و از این رو خانه‌ها و طراحان مد از نان و برای زنان بوده‌اند، و نه مردان. تنها تبیین برای اهتمام زن به زنانگی‌اش و توجه مرد به کارهای بزرگ در عرصه‌های زندگی، تفاوت‌های غرایز و ساختار روانی این دو جنس است) (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۶).

۲.۲.۳ تفاوت‌های جنسیتی و حق مردان برای «ضرب»

تفاوت‌های روانی زن و مرد در تبیین لزوم ضرب (مرحله آخر اصلاح یا تأدیب زن) ذکر شده است. در تبیین ضرب بسیاری از مفسران اصرار داشته‌اند که باید تا جای ممکن از کتک زدن دوری کرد و حتی اگر این کتک زدن لزومی یافت، باید به صورت «غیرمبرح» باشد. اما برخی نیز از انتقادهایی که به کتک زدن زنان وجود داشت، برمی‌آشفتمند. مراغی و رشید رضا می‌گفتند: «چگونه کسی میتواند از کتک زدن زنان ناراحت باشد، در حالیکه نافرمانی زن را رخدادی بزرگ نمی‌دانند؟» (مراغی، بیتا: ۲۹/۵؛ رشید رضا، ۱۳۹۳ق: ۷۴/۵). همچنین گفته می‌شود که در تمام دنیا قوانینی برای مجازات فرد نافرمان وجود دارد و در نتیجه کسی نباید

نگران مجازات زن نافرمان‌بردار باشد (مکارم، ۱۳۷۴: ۳۷۳/۳). اما نکته جالب توجه دربرخی از این تفاسیر آن است که این توجیه روانی را ذکر می‌کردند:

برخی از زنان مبتلا به مازوشیسم (آزارطلبی) هستند و گاه که این حالت در آنها تشدید می‌شود تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است، بنا بر این ممکن است ناظر به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرامبخشی دارد و یک نوع درمان روانی است (مکارم، ۱۳۷۴: ۳۷۴/۳؛ نیز بنگرید: قرشی، ۱۳۷۷: ۲/۳۵۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲/۲۸۳؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲/۶۵۴)^۱

۳.۲.۳ تفاوت‌های مدیریتی

یکی از تفاوت‌های مرد و زن نیروی مدیریت او قلمداد می‌شود. نقشهای مدیریتی در خانواده یا جوامع بزرگتر باید به مردان داده شود؛ زیرا آنان طبعاً «صاحب عزم و نیت و قوت» هستند و برعکس زنان، غالباً «معتدل العاطفه» و «سلیم البینه» (پاکدل) هستند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۵/۵؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱/۳۷۰؛ زحیلی، بیتا: ۱/۱۳۶؛ خسروی، ۱۳۹۰: ۲/۱۹۷؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲/۶۶). همچنین نیروی مدیریت مرد از یک سو و تمایل زن به اطاعت پذیری و تسلیم از سوی دیگر یکی از تفاوتها قلمداد میشود: «حيث أن الله خلق الذكر بحيث جبل على حب القيادة، بينما خلق الأنثى وفطرها على الانسجام والطاعة. ولذلك حدثت تجاوزات من قبل الذكر في حقوق الأنثى، وجاءت رسالات السماء لتحد من هذه التجاوزات، ولتضع حدودا حاسمة لقيادة الذكر للأنثى» (زیرا خدا مرد را ذاتا با علاقه به رهبری آفرید، در حالی که زن را با [روحیه] انعطاف پذیری و اطاعت خلق کرد. از این رو است که مردان در حقوق زنان تجاوز کردند و پیامهای آسمانی نازل شد تا این تجاوزها را محدود کند و مرزهایی محکم بر رهبری مردان بر زنان بگذارند) (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۷۳؛ نیز بنگرید: قرائتی، ۱۳۸۳: ۲/۲۸۴؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۳/۳۷۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴/۵۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸/۱۵۶؛ جعفری، بیتا: ۲/۴۳۱؛ مترجمان، ۱۳۷۷: ۲/۶۹).

فرض قوی‌تر بودن روحیه مدیریت برای مردان البته به این ادعا هم مربوط میشود که آنان از نظر روانی آمادگی بیشتری برای مواجهه با مشکلات و تحمل زحمت دارند. مثلاً طنطاوی اظهار می‌کند که برتری مردان بر زنان در این امور نمایان میشود: «قوة في الجسم، وزيادة في العلم، وقدرة على تحمل أعباء الحياة وتكاليفها وما يستتبع ذلك من دفاع عنهن إذا ما تعرضن لسوء» (نیروی جسمی و زیادت علمی و توانایی تحمل بار زندگی و مشقتهاش؛ از

جمله دفاع از زنان هنگامی که در معرض خطر و ناخوشایندی قرار می‌گیرند (طنطاوی، بی‌تا: ۱۳۷/۳؛ نیز بنگرید: قرشی، ۱۳۷۷: ۳۵۵/۲؛ مغنیه، بی‌تا: ۱۰۶/۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۶۰/۵؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲/۲۲۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۴۷۶/۱؛ آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱۸۶؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۷۷؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۸۹). اما توانایی‌های بیشتر مرد به اینجا محدود نمی‌شود. بلکه استعداد بیشتر مردان برای فعالیتهای اجتماعی به طور کلی مورد تأکید بوده است (مظهری، ۱۴۱۲: ۲/۲۰۲ و ۲۰۴؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۹۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴/۷۲-۷۱).

۴.۲.۳ استعداد فکری مرد

یکی از توانایی‌های مهم مردان توانایی‌های عقلی و فکری آنان است. این نگاه که با نگاه سنتی فلسفی نیز سازگار است، در تفاسیر مهمی بازتاب یافته است. این دیدگاه در تفاسیر گذشته و حال وجود داشته، گرچه امروز بیشتر بسط یافته است. در تفاسیر به طور مشخص بر نقص عقل زنان و کمال عقل مردان و در نتیجه برتری مردان بر زنان تأکید شده است (آلغازی، ۱۳۸۲: ۵۵۰/۵؛ جعفری، بی‌تا: ۴۳۱/۲؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲/۲۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲/۳۵۴ و ۳۵۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۵-۳۱۶؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴/۵۱؛ مکارم، ۱۳۷۳: ۳/۳۷۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷/۴۲ و ۳۷؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵/۳۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴/۳۴۴؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴/۷۲-۷۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲/۹۸؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱/۳۷۰؛ حقی، بی‌تا: ۲/۲۰۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۲۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۴۰۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲: ۲/۴۷؛ میرزا خسروی، ۱۳۹۰: ۲/۱۹۷-۱۹۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۴۸؛ بلاغی، ۱۴۲۰: ۲/۱۰۵؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۲/۳۴۲؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳/۲۱۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/۴۷۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳/۳۹۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۱/۴۷۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/۵۹؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸/۱۵۶؛ رشید الدین میبدی، ۱۳۷۱: ۲/۴۹۲). به علاوه، علم بیشتر مرد را نشان توان او و دلیل برتری‌اش دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۳: ۱/۳۱۲؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۷۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۶: ۲/۴۲۰؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۸۹؛ بروجری، ۱۳۶۶: ۲/۶۶؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱/۳۱۶). برای نمونه محمدجواد مغنیه پیشرفت‌های مردان را شاهی بر توانایی عقلی بیشتر آنان میدانند و وجود استثنایی از زنان موفق در زمینه‌های فکری نباید ما را به نتیجه‌های خلاف این قاعده برساند: «والذی نشاهده أن الأعمال الجلیلة فی میدان العلم والدين والفن والفلسفة والسیاسة كلها من الرجال، لا من النساء،

وإذا وجدت امرأة، لها دور في ذلك فهي من الطرائف والنوادر ... وبدیهة أن الشاذ النادر يؤكد القاعدة ولا ينفیها» (و اینکه میبینیم کارهای بزرگ در عرصه علم، دین، هنر، فلسفه و سیاست همه از مردان است و نه زنان. اگر زنی یافتی که نقشی در اینها دارد از موارد نادر و استثنایی است. بدیهی است که نمونه شاذ و نادر قاعده را نفی نکرده، بلکه تثبیت میکند.) (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲/۳۱۶).

۵.۲.۳ توانایی‌های اقتصادی

یکی از برتری‌های مرد بر زن به تصریح آیه شریفه توانایی مردان برای تأمین نفقه است. البته مفسران این سخن قرآن کریم را به معنای آن میدانستند که مردان به طور کلی توانایی تکوینی بیشتری در تأمین اقتصادی دارند. این توانایی به تواناییهای جسمی و فکری که در بالا هم مورد اشاره قرار گرفت، مربوط می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۷۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸/۱۵۶).

۶.۲.۳ ابتکارهایی در تبیین تفاوت جنسیتی

بسیاری از مفسران فوق به وجود زنانی که تواناییهای فکری و اجتماعی و مدیریتی دارند، اذعان کرده‌اند. اما در تقسیم‌بندیهای خود بر مبنای تفاوت‌های جنسیتی جایی برای آنان نمی‌یافتند و در نتیجه آنان را استثناهایی میدانستند که قاعده کلی را به هم نمی‌زنند. برای نمونه بانو امین می‌گوید:

خدای تعالی مردها را در این جهات بر زنها فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زنها از جهت قوت عقلی و نیروی بدنی بطور کلی بر کلی است نه بطور شمول بر تمام افراد زیرا چنانچه معلوم است خیلی از زنهایی بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردها فضیلت دارند (امین، ۱۳۶۱: ۴/۶۳).

اما در این جا دو نمونه را ذکر می‌کنیم که با لحاظ کردن زنانی که در قواعد مرسوم نمی‌گنجد، تقسیم‌بندیهای جنسیتی متفاوتی ارائه دادند. این مفسران گرچه در حکم نهایی درباره زنان و مردان از سخنان سایر مفسران چندان فاصله نمی‌گیرند، اما در مورد تفاوت‌های جنسیتی نظراتی نسبتاً مبتکرانه دارند. برای نمونه، عبدالحجت بلاغی (م. ۱۳۵۵ش) در تفسیر خود این تقسیم‌بندی را ارائه می‌دهد. او می‌گوید:

مردان همه مردند (در شکل و سیما) و زنان همه زنند (در شکل و سیما) و لیکن در حقیقت هر یک چهار دسته‌اند: ۱- مرد تمام مرد، و علامتش مردانگی و شجاعت و غیرت و حفظ ناموس خود و همسر او است، أهل لواط نیست، ناموس خود را در معرض لذت سمعی و بصری و بدنی دیگران نمی‌گذارد (و تعدد زوجات را دوست دارد). ۲- زن تمام زن، و علامتش شوهر کردن و جلب دوستی شوهر و تمکین از او و حفظ ناموس خود و انجام وظیفه مادری است (و از هوو بدش می‌آید). ۳- مرد زن صفت تمام، و علامتش آواز زنانه و میل به رقص و تمکین خود از مردان و تمایل به آرایش زنانه و پوشیدن لباس زنانه است و در بعضی نقاط ساحلی شوهر می‌کند و نفقه می‌گیرند و با هوو مخالفت می‌نمایند و اسما و رسما جایگزین زنند. ۴- زن مرد صفت تمام، و علامتش اختیار نکردن شوهر و خودسری با مردان و عدم تمکین از آنان است و چنین کسی هرگاه مجبور به شوهر کردن بشود کارش به طلاق منتهی می‌گردد و هم او شهوت خود را بعمل سافیزم و بستن آلت چرمی مانند مردان و تماس با جنس موافق تسکین می‌دهد. ۵- مردی که از جنبه زنی بهره دارد و لیکن جنبه مردی او غالب است، و علامتش این است که زن دارد و مورد تجاوز شهوانی نمی‌شود مگر اتفاقاً و در حفظ ناموس و در آراء و عقائد بیشتر اوقات بر زن غالب است و گاه مغلوب می‌شود و در همین وقت است که زیان می‌بیند و از رقص و به دست کردن انگشتی طلا و پوشیدن لباس حریر و تجملات زنانه رو گردان نیست (و تعدد زوجات را خوش ندارد ولی با فسق و فجور موافقت دارد). ۶- زنی که از جنبه مردی بهره دارد و لیکن جنبه زنی او غالب است، و علامتش شوهر کردن و تمکین از شوهر است بطور ناتمام و زد و خورد با شوهر و منتهی شدن امرش به طلاقهای متعدد است (و از هوو بدش می‌آید). ۷- مردی که جنبه زنی او غالب است، و علامتش این است که بیشتر مورد تجاوز شهوانی قرار می‌گیرد و میل تمام به رقص و موسیقی دارد و آواز به زنان شبیه‌تر است تا به مردان و زن هم که می‌گیرد به حفظ ناموس پایبند نیست و از پوشیدن لباسهای مردان کراهت دارد و همیشه در صدد خلوت و حشر با زنان است، و بیشتر مغلوب مردان است و گاهی غالب می‌شود (و با تعدد زوجات موافق نیست). ۸- زنی که جنبه مردی او غالب است، و علامتش مانند علائم زنی است که مرد صفت تمام است و لیکن بوضع ملایمتری (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲/ ۳۷-۳۹).

بر این اساس، قرآن کریم فقط درباره گروه اول یعنی «مرد تمام مرد» و گروه دوم یعنی «زن تمام زن» سخن گفته است، اما «بقیه را بایستی همین دو، وادار سازند که این حقیقت طبیعی و خلقتی و روانی را که از آیه مذکوره مفهوم می‌شود، رعایت نمایند» (همان). او

همچنین از معدود کسانی است که به طور خاص به این امر توجه کرد که طبق آیه، خدا «بعض مردان» را بر «بعض زنان» برتری داده است، نه همه مردان را بر همه زنان (همان). اهمیت تبیین بلاغی در آن است که تفاوت‌های جنسیتی را در یک «طیف» قرار می‌دهد و هشت جنسیت را (به جای دو جنسیت) تصور میکند. او علیرغم قرار دادن صرفاً دو گروه از مردان و زنان در وضعیت مطلوب جنسیتی، به شیوه‌های مبتکرانه دست‌بندی‌های کلیشه‌های معاصر را دستکاری میکند تا مجالی برای نشان دادن گرایش‌های مختلف داشته باشد.

مورد دیگر سید محمدحسین فضل‌الله است که ضمن رد برتری مردان بر زنان از جهت عقلی، می‌گوید که نسبت دادن قوامیت (و تفاوت در شهادت) از یک سو ناشی از غلبه عاطفه در زنان و از سوی دیگر ناشی از شرایط تربیتی زنان است: «كما أن الشواهد الحیة تدل على أن الكثيرات من النساء اللّاتی یعشن فی ظروف مماثلة لظروف الرجال الحیاتیة الخاصة والعامة، قد استطعن أن یثبتن قدرتهن على التركيز والوعی والحس الدقیق لكل القضايا المطروحة أمامهن من ناحية فکریة وعملیة» (همانطور که نمونه‌های حاضر، گواه است که بسیاری از زنان که در شرایطی مشابه شرایط زندگی شخصی و اجتماعی مردان زندگی میکنند، موفق شدند تواناییشان در تمرکز و آگاهی و دقت فهم در همه اموری که در ساحت فکری و عملی برایشان مطرح میشود، نشان دهند) (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷/۲۳۵-۲۳۶). سخن فضل‌الله از آنجا اهمیت دارد که او زنان توانمند را صرفاً استثناهایی نمیداند که باید در قواعد کلی تفاوت‌های جنسیتی محو شوند؛ بلکه آنان را تا جایی جدی می‌گیرد که پیشرفت زن و مرد را حاصل موقعیتهای تربیتی میداند، به گونهای که اگر وضع تربیتی عوض شود، برخی ویژگیهای جنسیتی نیز تغییر میکنند. از نظر او تقسیم‌بندی جنسیتی تفاوتها، صرفاً تکوینی نیست، بلکه تا اندازه‌های تربیتی و در نتیجه قابل تغییر و غیرجهانشمول است.

۴. نقد و بررسی

در تحلیل گفتمان تفاسیر دیدیم که تصورات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی و حدود و ثغور تأثیر و دخالت آنها در امور گوناگون در طی زمان تحول یافته است. این تصور هم علمی و هم فرهنگی بوده، یعنی بدن طبیعی انسان و تصورات علمی از آن با شرایط فرهنگی سازگاری داشته است. تصویر انسان از بدن همواره طی داد و ستدی میان علم و فرهنگ تثبیت میشود. یکی از نخستین کسانی که این نکته را به ما یادآوری کرد میشل فوکو بود. او نخست در کتاب مراقبت و تنبیه از بدن‌های رام (docile bodies) در دوران مدرن سخن

گفت. او نشان داد که چگونه بدن انسان تحت تأثیر رسانه‌ها، آموزش، بهداشت و علوم است و از این طریق انضباط میباید. این امر از نوع خاصی قدرت که نامرئی و در همه جا حاضر است، ناشی می‌شود، طی گفتمانی تثبیت می‌گردد و به شکل‌گیری دانش‌های انضباطی خاص می‌انجامد. البته این فرآیند یکسویه نیست و علوم نیز بر ساخت قدرت و گفتمان تأثیر می‌گذارند. همچنین این فرآیند منفی نیست، بلکه به جهت‌گیری بیشتر تولیدات و بسیاری از پیشرفت‌های مدرن می‌انجامد (فوکو ۱۳۸۷، فوکو ۱۳۸۹: ۲۳۱-۲۵۳). برای نمونه به طور خاص در روابط جنسی، از یک طرف قدرت حاکم گفتمان روابط معطوف به تولید مثل را از طریق رسانه‌ها، نهادهای دینی و آموزشی و بهداشتی در میان مردم نهادینه می‌کند. آنان بدن خود را به شکل خاصی تربیت می‌کنند و بدان انضباط می‌بخشند. علوم پزشکی نیز معمولاً در راستای گفتمان حاکم پیش می‌رود و آن را تقویت می‌کند. بنابراین بدن در قالب فرهنگ شکل می‌گیرد. این نظریات همراه با روشهای فوکویی تبارشناسی و دیرینه‌شناسی الهام‌بخش بسیاری از پژوهشگران فرهنگی و اجتماعی شد و پس از آن افرادی به بررسی تاریخ فرهنگی بدن پرداختند.

تاریخ فرهنگی بدن بر این فرض مبتنی است که تصور انسان‌ها از بدن و تفاوت‌های بدنی در دوران‌های گوناگون تفاوت یافته است. تامس لکر به خوبی سیر تطور تصویر غریبان از بدن را به تصویر می‌کشد. این تصویر بیش از آنکه همگام با پیشرفتهای پزشکی پیش رود، حاصل تحولات سیاسی و اجتماعی بوده است. در گذشته (از دوران باستان تا پیش از قرن هجدهم) بدن انسان با الگوی تکجنسی (one-sex model) توصیف میشد، حتی فرض بر این بود که زن و مرد اندامهای یکسانی دارند، تفاوت آنها در بیرون افتادن یا درون افتادن اندامهایشان یا کوچکی و بزرگی یا سردی و گرمی آنها بود. در این تصویر زن و مرد شبیه بودند، اما درجاتی متفاوت داشتند که مانند درجات متفاوت در نظام کیهانی بود. به عبارت دیگر، اگر مرد والاتر از زن است، این برتری در ساختار خردتر مانند برتری سر بر اعضای دیگر، و در نظام کلان‌تر مانند برتری حاکمان بر رعایا و اربابان بر بردگان و آسمان بر زمین هم وجود داشت.

این وضعیت در عصر روشنگری (قرن هجدهم) تغییر قابل توجهی یافت. در این دوران بسیاری از نظریه‌های سیاسی مدرن شکل گرفتند. متفکرانی چون روسو و هابز و لاک در پی آن بودند که نشان دهند هیچ نوع سروری یک انسان بر انسان دیگر توجیه کیهانی یا الهی ندارد. مشروعیت چیزی خدادادی نیست که کسی بخواهد ادعای آن را داشته باشد.

در این میان اگر تفاوتی وجود دارد، حاصل نظام تکوینی است. این تغییر نگرش (که به سه متفکر فوق محدود نبود) انقلابی در تصورات سیاسی و اجتماعی و زیست‌شناختی ایجاد کرد. زیرا تفاوت از ماوراء طبیعت به طبیعت راه یافت. در این دوران برای نخستین بار در تاریخ اروپا گفته شد که سلطه مردان بر زنان نه به خاطر برتری خدادادی مردان بلکه به خاطر تفاوت‌های بنیادین بدن ایشان با بدن زنان بود. سیطره اروپاییان بر اقوام دیگر در افریقا و امریکا و استرالیا به خاطر آن بود که بومیان این مناطق ساختار بدنی (و در نتیجه روانی) متفاوتی داشتند. در این زمان الگوی دوجنسی بدن (two-sex model) پدید آمد (Laqueur 1990: 149-192). لوید (۱۳۹۵: ۱۱۴). سوگیری جنسی که با نظریات علمی پشتیبانی می‌شد، نه بر مبنای رتبه‌بندی و درجه‌بندی بلکه بر مبنای کمال هر جنس و مکمل بودن آنها بود. این نظام اجتماعی که در شرایط مدرن به همکاری دو جنس کمک می‌کرد، از علوم زیستی و تجربی بهره فراوانی می‌برد. به یاد داشته باشیم که علوم زیستی و تجربی هم تحت تأثیر ایدئولوژی جنسی خاصی تولید می‌شدند. (Shrievinger 2010: 23)

شاید شاهد متقنی وجود نداشته باشد که مفسران مسلمان ایرانی و عرب دقیقاً در این الگو عمل می‌کردند. اما تحول آثار تفسیری و پس از آن آثار بسیاری از مصلحان مسلمان^۲ درباره حقوق و نقش‌های متفاوت زنان احتمالاً در این الگو قابل فهم است. به عبارت دیگر در حالی که دانشمندان مسلمان پیشامدرن در پی توجیه برتری مردان بر زنان بر مبنای ماورائی (و غالباً تشریحی، مانند بیشتر بودن سهم ارث و دیه و شرکت در جهاد و نماز جمعه و جماعت) بودند و این نظام را چنان تثبیت شده می‌دانستند که حتی درباره توجیه آن توضیحی نمیدادند، نویسندگان مسلمان مدرن می‌کوشیدند که این نظام تفاوت را بر طبیعت تکوینی متفاوت زن و مرد مبتنی کنند (پزشکی ۱۳۸۷: ۸۰-۸۴). الگوی دوجنسی جدید که بر طبیعت استوار بود، این مزیت را داشت که سازگاری نظام شرعی با وضع طبیعی را نشان می‌داد بدون آن که از مومنان بخواهد که با ساختاری متافیزیکی سازگار شوند. بنابراین می‌توان از زن و مرد خواست که این نظام را بپذیرند، نه به خاطر آن که دینشان از آنان چنین چیزی را می‌خواهد، بلکه به خاطر اینکه ساختار بدنی همگانی بدین شکل است. تغییر دادن این وضعیت اگر در گذشته مستلزم به هم ریختن نظام کیهانی بود، امروز به معنای تمرد بر نظام طبیعی بود. روشن است که نظام طبیعی صرفاً به تفاوت‌های بدنی محدود نمی‌شد، بلکه تفاوت‌های روانی و عقلی و مدیریتی نیز بر تفاوت‌های بدنی استوار می‌شد. از این منظر زنان و مردان در وهله اول شاخصه‌های زیستی متفاوتی دارند، اما در پی

آن می‌بینیم که زنان برای پرورش فرزندان و تنظیم امور خانه مناسب‌ترند و جزیبی‌نگرند، در حالی که مردان برای تنظیم امور کلان و کلی در بیرون از خانه مناسب‌ترند. در هم ریختن یا دستکاری با این نظام همان‌قدر غیرطبیعی است که دست‌کاری در بدن جنسی.

تا اینجا نشان دادیم که تصور مدرن از تفاوت‌های جنسی گفتمانی است و با یک سلسله از ساختارهای فکری و سیاسی نیز سازگار است. به عبارت دیگر، خودِ طبیعی‌سازی تفاوت نه طبیعی بلکه فرهنگی بوده است. به یاد داشته باشیم که بسیاری از جنبشهای زنان دقیقاً در بستر این نگاه به جنس و جنسیت آغاز شدند و از قضا تفسیر متون دینی هم رفتار این گفتمان شد. این سخت به معنای آن نیست که در جوامع پیشامدرن زنان کمتر دچار تبعیض میشوند. ولی متفکران مدرن دقیقاً زمانی که به دنیا توجیه عقلانی حقوق بشر و برابری انسانها بودند، با حرکت در مسیر کی گفتمان تفاوت جنسی موجب شدند که تبعیض جنسیتی کم نشود، بلکه در لباسی دیگر ظاهر شود. اینک شاید پرسیده شود که این دیدگاه مدرن چه اشکالاتی دارد؟ اشکال نخست اشکال معرفتی است. یعنی تصورات بر تقسیم‌بندی‌ها و مقوله‌بندی‌هایی متکی می‌شود که مورد تردید جدی واقع شده است. در این میان باید قاعده‌هایی ساخت و کسانی را که در مقوله‌ها و قواعد نگنجند، «استثنا» معرفی کرد تا به این قواعد لطمه‌های نخورد. اما شاید بتوان پرسید که خود قواعد از کجا آمده‌اند؟ آیا برای کشف حقیقت بوده‌اند یا برای تثبیت یک نظام اجتماعی؟ اشکال دیگر این دیدگاه آن است که از وضعیت عادلانه فاصله دارد. در وضعیت عادلانه هر موجودی باید به حقش برسد و بتواند استعدادهایش را شکوفا کند. اما اگر ما استعدادهای یک موجود را به اشتباه تشخیص دهیم و به شکلی ناروا به او تلقین کنیم، او را از موقعیت‌هایی که می‌توانست در آنها قرار بگیرد، محروم کرده‌ایم. برای نمونه اگر به زنانمان بگوییم که بر اساس نظام تکوینی آنان در درجه اول برای تربیت فرزند آمادگی دارند، آنان را از محقق کردن استعدادهایشان در عرصه‌های علمی و اجتماعی دور نگه داشته‌ایم. زیرا پیوسته در پی تحقق نقش اول زنانه‌شان هستند و در درجات بعدی به دیگر استعدادهایشان توجه میکنند. روشن است که وضع برای مردان متفاوت است، زیار در درجه اول با نقش پدر تعریف نمیشوند. اگر مردی نخواهد یا نتواند فرزند بیاورد، کمتر تصور میکند که از نقش اصلی‌اش دور مانده در حالی که زنانی که نخواهند یا نتوانند مادر شوند، همواره تصور خواهند کرد که به نقش اصلی‌شان تحقق نبخشیده‌اند. فقط در صورت بازنگری در نگاه «طبیعی» به تفاوت‌های جنسی می‌توان امکان بروز استعدادهای جسمی و فکری افراد جامعه را فراهم کرد.

اما ممکن است گفته شود که در فضایی که این مقوله‌بندی‌ها و تعیین نقش وجود نداشته باشد، نظام اجتماعی در هم می‌ریزد. تجربیات تاریخی از جوامع گوناگون از جمله جوامعی که تحت تأثیر گفتمان‌های پیشامدرن یا گفتمانهای پسامدرن بوده‌اند، نشان می‌دهد که زیر سوال رفتن گفتمان تفاوت جنسی مبتنی بر نظام تکوینی به معنای در هم ریختن نظام اجتماعی نیست. بلکه با نگاهی نقادانه و نوآورانه، امکان‌های مختلف و عادلانه‌تر برای انسجام اجتماعی را پیش چشم می‌آورد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم که سیر تطور تفاسیر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء را بررسی کنیم. ما موفق شدیم که تفاسیر را به دو دسته پیشامدرن و مدرن تقسیم کنیم. این فرضیه وجود داشت که تفاسیر مدرن و پیشامدرن نگاه متفاوتی به جایگاه زن و مرد و در نتیجه قوامیت مرد بر زن (و نیز نظام نفقه و تمکین (داشته‌اند. پس از مروری بر توضیحات مفسران درباره علت قوامیت مردان بر زنان، مشاهده کردیم که در اواخر قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هجری تبیین تفاوت‌های جنسیتی شکلی تازه گرفت. با استفاده از نظریات تاریخ فرهنگی بدن، در توضیح این تحول مدرن گفتیم که الگوی دو جنسی جایگزین الگوی تک-جنسی در صورفرهنگی مفسران از بدن شده است. در نتیجه تبیین قوامیت نه با اشاره به درجات متفاوت و خدادادی و تشریحی زن و مرد که با اشاره به نظام طبیعی و تکوینی بر مبنای مکمل بودن آنها صورت گرفته است. از نگاه مدرن، تفاوت‌های جدی در استعدادهای زن و مرد حاصل تفاوت بدنی آنهاست و در نتیجه به تفاوت در حقوق و تکالیف آنان می‌انجامد. اگر در نگاه پیشین زن و مرد مشابهانی بودند که درجات تکوینی متفاوتی داشتند، در نگاه مدرن زن و مرد قطعاً مشابه نیستند اما تفاوت‌های تکوینی و در عین حال درجه انسانی یکسانی دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این توجیه روانشناختی اشکالات و بیدقتیهای متعددی دارد که در اینجا مجال شرح و بسط آنها نیست. اما این تفسیر دو مشکل منطقی مهم نیز دارد. در درجه اول هنگامی که مفسر از توجیه قوامیت سخن می‌گوید، ضمن اذعان به غلبه تواناییهای مدیریتی در برخی از زنان می‌گوید که اینها فقط مواردی استثنایی هستند که نباید ما را از قواعد کلیتر غافل کنند، اما خود وی حالتی نادر

(مازوشیسم) را توجیهی برای توصیه‌های کلی میداند. مشکل دیگر آن که توجیه فوق متضمن آن است که آخرین مرحله اصلاحی زن نافرمان ارضای زن پس از ترک بستر است! چراکه شخص مبتلا به مازوشیسم (آزار طلبی) با ضرب و آزار، ارضا میشود و نه تنبیه؛ روشن است که این تصور در مراحل تأدیب ناسازواری ایجاد میکند. همچنین باید دقت داشت که افراد دچار حالت‌های مازوشیستی با «تنبیه مختصر روانی» آرام نمیشوند و معمولاً خواهان تنبیه و شکنجه شدیدتر هستند. (سادوک، ۱۳۷۸: ۳۸۴/۲؛ انجمن روانشناسی آمریکا، ۱۳۷۴: ۲/۲۰۷ و ۲۱۵؛ پورافکاری، ۱۳۷۳: ۲/۸۸۴؛ انصاری، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

۲. مصلحان مسلمان آثار فراوانی درباره تفاوت‌های جنسیتی نوشتند که با آنچه در مورد نگاه مفسران مدرن گفته شد، کاملاً سازگار است. نگ: بستان، نابرابری جنسیتی؛ حق شناس، نقد فمینیسم؛ دوست محمدی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن؛ هاشمی رکاوندی، مقدمه ای بر روانشناسی زن؛ علاسوند، زنان در موازنه حق و تکلیف؛ علاسوند، زن در اسلام؛ بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی؛ فتاحی زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی؛ بستان، «نقش‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی» در مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی؛ علاسوند، «نقش‌های جنسیتی» در مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی؛ زیبایی نژاد، «تفاوت‌ها، هویت و نقش‌های جنسیتی» در مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی.

کتاب‌نامه

- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، (۱۴۰۸ق). تیسیر الکریم الرحمن، بیروت: دار النهضة العربية.
آل غازی، ملاحویش عبدالقادر (۱۳۸۲ش). بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی.
آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الکتب العربیة.
امین، نصرت (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.
انجمن روانشناسی آمریکا (۱۳۷۴ش). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، ترجمه محمد رضا نیکخو و دیگران، اول، تهران: نشر سخن.
اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر.
انصاری، مسعود (۱۳۷۱ش). روانشناسی جرائم و انحرافات جنسی، اول، تهران: اشراق.
بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

- بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶ش). تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر.
بستان، حسین (۱۳۸۸ش). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و وزارت کشور.
بستان، حسین (۱۳۸۹ش). نابرابری جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
بلاغی، عبدالحجت (۱۳۸۶ق). حجت التفسیر و بلاغ الاکسیر، تهران: انتشارات حکمت.
پارسا، فروغ (۱۳۹۴). «قرائت زن‌گرایانه از قرآن»، پژوهش‌نامه زنان، ۶: ۴، ۵۱-۷۱.
پزشکی، محمد (۱۳۸۷). صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
پور افکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳ش). فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی، بی‌چاپ، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
جعفری، یعقوب (بی‌تا). کوثر، بی‌چاپ: بی‌نا.
حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل الجدید.
حسینی جرجانی، امیر عبدالفتوح (۱۴۰۴ق). آیات الأحکام، تحقیق ولی‌الله اشراقی سرابی، تهران: انتشارات نوید.
حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۶ش). تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات.
حسینی شیرازی، محمد، (۱۴۲۴ق). تقریب القرآن الی الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
حسینی همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی، تهران.
حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
دوست محمدی، هادی (۱۳۶۸ش). شخصیت زن از دیدگاه قرآن، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
رشید الدین میبیدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیر کبیر.
رشید رضا، محمد (۱۳۹۳ق). المنار، بیروت: دار المعرفة.
زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر.
زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ق). تفسیر الوسیط، دمشق: دارالکفر.
زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸ش). هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات)، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
سادوک، بنیامین و هارولد کاپلان (۱۳۷۸ش). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری و روانپزشکی بالینی، ترجمه عباس رفیعی و فرزین رضاعی، ویرایش هشتم، اول، تهران: نشر ارجمند.

تحلیل گفتمان تفاوت‌های جنسیتی در تفاسیر آیه ۳۴ سوره نساء ۴۹

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶ق). *الجديد فى تفسير القرآن المجيد*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق). *إرشاد الأذهان إلى تفسير القرآن*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ش). *تفسیر سور آبادی*، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.

سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، قاهره: دار الشروق.
شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، با مقدمه محمد بحر العلوم، کویت: مکتبة الالفین.

شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد.

صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۸ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
طنطاوی، محمد (بی‌تا). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی‌جا، بی‌نا.

طوسی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *التبیان*، مقدمه آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، تحقیق شیخ مالک محمودی، قم: دارالقرآن الکریم.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان.

علاسوند، فریبا (۱۳۶۸ش). *زنان در موازنه حق و تکلیف*، قم: کتاب نیستان.

علاسوند، فریبا (۱۳۹۰ش). *زن در اسلام*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه خواران.

فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۷ش). *زن در تاریخ و اندیشه اسلامی*، قم: بوستان کتاب.

فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، دوم، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر.

فوکو، میشل (۱۳۸۷ش). *مراقبت و تنبیه*. ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش. تهران: نی.

فوکو، میشل (۱۳۸۹). *باید از جامعه دفاع کرد: درس‌گفتارهای کلتر دوفرانس ۱۹۷۵-۱۹۷۶*. ترجمه رضا

نجف زاده. تهران: رخداد نو.

فیض کاشانی، ملا حسین (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات صدر.

- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش). تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت ارشاد.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق). زبدة التفاسیر، قم: تحقیق و نشر بنیاد معارف اسلامی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی (۱۳۶۹ش). مواهب علیّه، تحقیق محمد رضا جلالی نائینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- کرمی حویزی، محمد (۱۴۰۲ق). التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: چاپخانه علمیه.
- لوید، ژنویو (۱۳۹۵ش). عقل مذکر: مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب، ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: نشر نی.
- مترجمان (۱۳۷۷ش). تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰ش). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشیدیّه.
- مغنیّه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مغنیّه، محمد جواد (بی تا). التفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰ش). نواندیشی دینی و مسأله زن. قم: صحیفه خرد.
- موسوی سبزواری، عبدالعلی (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اهل البیت.
- میرزا خسروی، علی رضا (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: انتشارات خسروی.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.
- هاشمی رکاوندی، مجتبی (۱۳۷۸ش). مقدمه ای بر روانشناسی زن، تهران: شفق.

Laquer, Thomas (1990). *Making Sex: Body and Gender from the Greeks to Freud*. Cambridge: Harvard University Press, 1990.

Shrievinger, Londa. "Theories of Gender and Race," (2010), in *Feminist Theory and the Body: A Reader*. New York: Routledge, edited by in Janet Price and Margrit Shildrick.